

درس سوم – سرور آزادگان

داستان حضرت قاسم در کربلا

قاسم فرزند امام حسن و برادرزاده ی امام حسین است که در کربلا تنها ۱۴ سال داشت . قاسم با شجاعت وارد میدان نبرد شد . چیزی نگذشت که یزیدیان او را به شهادت رساندند

امام حسین بر سر بالین او حاضر شدند و فرمودند :

به خدا قسم برای عمویت سخت است که تو او را صدا بزنی و او نتواند جواب دهد

قیام امام حسین

بعد از پیامبر معاویه به جنگ با امام علی که جانشین پیامبر بود برخاست . بعد از امام علی ، فرزندش امام حسن نیز با نقشه معاویه به شهادت رسید

در سال ۶۰ هجری قمری معاویه از دنیا رفت و فرزندش ، یزید که اهل کارهای زشت و ناپسند بود و به نماز اهمیت نمی داد و احکام دینی را رعایت نمی کرد به حکومت رسید . او آشکارا دین اسلام و حضرت محمد را مسخره می کرد . یزد می خواست دین اسلام را ریشه کن کند و آن را نابود سازد .

امام حسین درباره به حکومت رسیدن یزید فرمودند :

وای بر اسلام که به حاکمی چون یزید گرفتار شده است

امام حسین (ع) در برابر یزد قیام کرد و با فرزندان و خانواده اش از مدینه خارج شد . ایشان درباره هدف خود از قیام در برابر یزید فرمودند

همانا من برای اصلاح امت جدم قیام کرده ام من میخواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم

پیامبر اکرم درباره امام حسین می فرمایند :

امام حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است